

امثال و حکم (نقد کتاب)

یحیی عطایی^۱

امثال و حکم، محمد بن ابی بکر عبدالقادر رازی، تصحیح، ترجمه و توضیح از فیروز حریرچی، دانشگاه تهران، تهران ۱۳۷۵ ش.

سهم ایرانیان در پیشرفت فرهنگ و ادبیات و زبان عربی به‌ویژه در حوزه‌های فنی مثل بلاغت، صرف، نحو، نگارش، خطابه، نقد و... بر اهل تحقیق پوشیده نیست. یکی از فعالیت‌های مهم ایرانیان در این عرصهٔ پهناور، مربوط به حوزهٔ امثال و حکم است که از دیرباز به آن توجه شایانی شده است و کتاب‌هایی که امروز در دست داریم شاهد این مدعاست. کتاب *امثال و حکم* تألیف محمد بن ابی بکر عبدالقادر رازی از جملهٔ این آثار است که چند سال پیش، از روی نسخه‌ای منحصر به فرد توسط دکتر فیروز حریرچی، تصحیح و ترجمه شده و در انتشارات دانشگاه تهران به چاپ رسیده است. کتاب در ده فصل با موضوعات مختلف طبقه‌بندی و تدوین شده و هر فصل شامل ابیاتی است از شاعران

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی.

مختلف که در بین ادیبان و شاعران مثل رایج و سایر بوده است. یکی از تفاوت‌های کتاب با بیشتر آثار نوشته شده در این زمینه منظوم بودن مثل‌های آن است.

مصحح در آغاز کتاب مقدمه مفصلی نوشته‌اند که در آن تعاریف مثل و شرح حال مؤلف و عناوین آثار او را آورده و بعد از شرح اسلوب تصحیح و ترجمه خود، به بررسی کتاب و امتیازات آن پرداخته‌اند. سپس مقدمه عربی دکتر شاکر الفحام، رئیس فرهنگستان زبان عربی سوریه، زینت‌بخش کتاب گشته است.

کتاب، با عنایت و اذغانی که مصحح محترم در مقدمه (صفحه هجده) دارند و با همه زحمت و دقتی که در تصحیح، تحشیه و ترجمه آن به عمل آورده‌اند، عیوب و نواقص فراوان دارد و بنا به درخواستی که از پژوهندگان، برای رفع این نواقص کرده‌اند، در این مقاله به نکته‌های قابل ذکر می‌پردازیم.

مقدمه کتاب

دکتر حریرچی در بررسی کتاب و امتیازات آن (صفحه شانزده) نوشته‌اند: «تقریباً تمام اشعار وارد شده در کتاب رازی با مبادی اخلاق اسلامی تطبیق دارد و اگر چند بیت هم احياناً با مبادی اسلامی منطبق نمی‌باشد، رازی بر آنها معترض شده و خواننده را از این امر آگاه نموده است و این خود بهترین امتیاز برای کتاب رازی محسوب می‌شود.» حال آن‌که در کل کتاب فقط در دو مورد، رازی از لحاظ شریعت بر مفهوم بیت معترض شده است (ابیات شماره ۱۰۷ و ۱۰۸):

الف هذا الهواء أوقع في الأنف
و الأسي قبل فرقة الروح عجز
و الأسي لا يکون بعد الفراق
و أن الحسام مر المذاق

در این دو بیت هیچ‌گونه منافاتی با مبانی شریعت اسلام دیده نمی‌شود و در بیت شماره ۵۹۸ که «از نظر شریعت مردود است»، یادآوری خود مترجم را می‌بینیم نه اعتراض رازی را.

از ترجمه و تصحیح

و من صحب الدنيا تقلبت
على عينه حتى يرى صدقها كذبا^۱

بیت ۱۶

۱. چون امثال دارای شماره است (۸۹۹ بیت و مصراع)، از ذکر شماره صفحه، جز در صورت نیاز، خودداری می‌کنیم.

بعد از «الدنیا» واژه «طویلاً» ساقط شده است^۱ و در ترجمه نیز نیامده است. ترجمه دقیق مصراع: کسی که با این جهان [به مدت طولانی] هم صحبتی کند....

لاتنکری عطل الکریم من الغنی فالسیل حرب للسمکان العالی

بیت ۲۰۸

ترجمه دکتر حریرچی: «بی زیوری و بی نصیبی بخشنده را از توانگری انکار مکن، زیرا که سیل هم جایگاه بلند را به غارت می برد.»

الف. از ترجمه دکتر حریرچی بیشتر نکوهش بخشنده دریافت می شود تا ستایش او. ب. کتاب مورد استناد ایشان اسرارالبلاغه است و دکتر تجلیل در این کتاب (ص ۱۶۵) بیت را چنین معنا کرده است: «از تنگدستی و بی چیزی شخص کریم شگفت مدار، زیرا سیل با جای بلند آشتی ندارد و آنجا قرار نمی یابد.» این ترجمه از سخنان خود عبدالقاهر جرجانی هم برداشت می شود که توضیحی مفصل در باب تخیل بیت آورده است. ج. دکتر یوسفی بیت را در تعلیقات گلستان (ص ۲۶۸) ذیل «قرار بر کف آزادگان نگیرد مال» آورده و چنین معنی کرده است: «... چون سیل با مکان رفیع دشمن و در ستیز است (بر آن قرار نمی گیرد).» و به نقل از متنبی و سعدی (که کتاب مورد استناد دکتر حریرچی هم هست)، این دو بیت از بوستان را هم اضافه کرده است:

کسی را که همت بلند اوفتد مرادش کم اندر کمند اوفتد
چو سیلاب ریزان که در کوهسار نگیرد همی بر بلندی قرار

رب غیر یرعی و یعلف ماشا ء و لیث یجوع فی الصحراء مدبر

بیت ۲۲۷

ترجمه دکتر حریرچی: «چه بسا خری که می چرد و او را هر اندازه که می خواهد علوفه دهند و حال آن که شیر نگون بخت، در بیابان گرسنه است.»

الف. واژه «مدبر» در آخر بیت زائد بر وزن شعر است (بحر خفیف) به همین دلیل در ترجمه هم نباید دخیل باشد. ب. «واو» در مصراع دوم واو رب است نه حالیه:

۱. شرح دیوان متنبی (معجز احمد)، ج ۳، ص ۲۲۷.

... و چه بسا شیری که در بیابان گرسنه است.

أعدى عدوك من وثقت به فحاذر الناس و اصحابهم على دخل

بیت ۱۵۶

بعد از «عدوک»، واژه «أدنی» ساقط شده^۱ و در ترجمه نیز نیامده است. «دشمن ترین دشمنان [نزدیک ترین] کسی است که به او اعتماد کرده‌ای...»

و الناس اعوان من و آلته دولته و هم علیه اذا عادته اعوان

بیت ۱۵۲

ترجمه دکتر حریرچی: «مردم یاور کسانی هستند که دولت و بخت او را یاری کند و هرگاه دولت با او دشمنی نماید آنها هم علیه او یاری کنند!» ترجمه صحیح مصراع دوم چنین است: و هرگاه یاری کنندگان با آن شخص دشمنی کنند، مردم هم علیه او خواهند بود.

و الغنى في يد اللئيم قبيح قدر قبح الكرم في الاملاق

بیت ۱۰۹

ترجمه دکتر حریرچی: «توانگری به دست فرومایه زشت است، چنان که اندازه زشتی تنگدستی و بینوایی، در دست بخشنده شناخته می‌شود.» ترجمه صحیح بیت: توانگری فرومایه همان اندازه ناپسند است که تنگدستی کریم و بخشنده.

شرّ المواهب ما تجود به في غير محمّدة ولا أجر

بیت ۲۹۱

ترجمه دکتر حریرچی: «بدترین بخشش‌ها آن است که تو آن را به ستایش و مزد و اجر ببخشی!» ترجمه صحیح: بدترین بخشش‌ها آن است که تو آن را در غیر جایگاه ستایش و مزد و اجری ببخشی.

ستبدى لك الأيام ما كنت جاهلاً و يأتيك بالأخبار من لم تزود

بیت ۲۷۱

۱. بیت از لامیه العجم است ← مشاهیر شعر ایران، ج ۱، ص ۱۸۸.

مصراع دوم چنین ترجمه شده است: «و خبرها را کسی که از او توشه برنگرفته‌ای پیش تو خواهد آورد.» این مصراع در شماره ۷۶۶ نیز با همین ترجمه تکرار شده است. در سایر منابع^۱ از جمله المنجد (ص ۸۰۲) چنین آمده است: «و می‌آورد خبرها را برای تو آن کسی که تو به او توشه نداده‌ای.»

قدیستدل بظاهر عن باطن حيث الدخان فثم مُوقِد النَّارِ

بیت ۳۱۴

الف. به سبب اختلال در وزن شعر (بحر کامل) واژه النار باید بدون «ال» باشد. ب. اعراب واژه، موقِد، و معنای آن، اجاق و آتشگاه صحیح تر است. (در المنجد و معجم الوسیط، این واژه به صورت موقِد نیامده است.)

بیت ۴۲۲ به این صورت آمده است: «إذا ذهب العتاب فلیس بوِدٍّ» و وزن شعر (بحر وافر) ایجاب می‌کند به جای «بود» «وَدُّ» صحیح باشد و این مصراع با همین خطا در پاورقی صفحه ۳۵۰ نیز آمده است.

ترتیب بیت ۴۲۳ چنین است:

ترک العتاب إذا استحقَّ أخ منک العتاب ذریعه(؟)

باتوجه به وزن شعر (بحر رجز) و نیز ترجمه‌ای که دکتر حریرچی آورده‌اند، صورت صحیح بیت احتمالاً چنین باشد:

ترک العتاب إذا استحقَّ أخ منک العتاب ذریعه الوُدِّ

ترجمه ایشان چنین است: «هرگاه دوستی از سوی تو شایسته عتاب باشد، ترک آن خود بهانه و سبب دوستی است.»

و هل نافعی أن ترفع الحجب بیننا و دون الذی أمّلت منک حجاب

بیت ۴۳۰

۱. شرح معلقات دهگانه، ص ۱۰۴؛ المجانی الحدیث، ج ۱، ص ۹۶؛ شرح المعلقات السبع، ص ۶۳.

چنین ترجمه کرده‌اند: «... در حالی که حجاب باشد در برابر کسی که امید از او دارم.» ترجمه دقیق: و حال آن‌که در برابر چیزی که از تو آرزو نمودم، حجابی است. (البته ترجمه صحیح در یادداشت ۱۹۰ به عربی آمده است.)

ذهب الذین يعاش في أكناهم و بقی الذین حیاتهم لاتنفع

بیت ۴۷۴

به جای ترجمه این بیت، ترجمه بیت ۴۷۲ تکرار شده است که اشتباه چاپی است و ترجمه صحیح آن چنین است: کسانی که مردم در سایه آنها [به خوبی و خوشی] زندگانی می‌کردند، رخت بر بستند و کسانی باقی ماندند که زندگیشان سودی ندارد.

و من العناء أن تفهم جاهلاً و تحسب جهلاً أنه منك أفهم

بیت ۴۸۳

دقیق تصحیح نشده است؛ مصراع نخست در بحر کامل و مصراع دوم در بحر طویل است!

لقد سمعت لو نسادیت حياً و لكن لا حیاة لمن تنادی

بیت ۵۲۲

ترجمه دکتر حریرچی: «به شنیدن در آوردی ای کاش زنده‌ای را ندا در می‌دادی، زیرا برای کسی که تو او را ندا در می‌دهی جان و حیاتی نیست!» ترجمه روان آن: اگر زنده‌ای را ندا می‌دادی قطعاً ندایت را می‌شنید، اما تو کسی را که ندا می‌دهی جان و حیاتی ندارد. نکته دیگر این‌که یکی از منابع مهم بیت رسائل ابی‌العلاء (ص ۶۱) است.

ابوک لنا عیث نعیش بنبته و أنت جراد لاتبقی و لاتذر

بیت ۵۲۹

الف. صورت صحیح مصراع دوم چنین است: «و أنت جراد لست تبقی و لاتذر». شاید آیه لاتبقی و لاتذر^۱ (مدثر، ۲۸) باعث خطای کاتب شده باشد. در هر صورت آن طور که در

۱. عبارت «لاتبقی و لاتذر» در شعر شاعران زیاد مورد استفاده قرار گرفته است. نجاشی حارثی (الحماسة، ص ۱۹) گفته است:

منابع مورد ارجاع در یادداشت آمده است، «لست» به جای «لا» درست است (بحر طویل).
 ب. در ترجمه بیت، «باقی نمی‌گذاری» به جای «بقا نمی‌کنی» صحیح است.

و اذا دعونك عمن فانه نسب يزيك عندهن خبالاً

بیت ۵۶۸

ترجمه دکتر حریرچی: «چون ترا نزد زنان به لفظ عمو خطاب کنم، پس این لفظ نسبی باشد که بر تو نزد آنها کم خردی و پیری افزاید!» معنای صحیح همان است که در پانوش صفحه ۲۲۷ به عربی آمده است: ان النساء اذا دعونك و نادينك يا عمن فهدا النداء و الخطاب لا يزيك الا فساد العقل و...»

نیم بیت ۶۵۳: و عند التناهی يقصر المتطول:

الف. این نیم بیت، مصراع دومِ بیتی از قصیده معروف ابوالعلاء معری است که می‌گوید:

و ان كنت تهوى العيش فابغِ توسطاً فعند التناهی يقصر المتطول

ب. بیت در نکوهش افراط در کارهاست که «اذا تم أمر بدأ نقصه»^۱ و «کل أمر اذا تناهى توهى»^۲ و معمولاً این مفهوم را به حرکت ماه تشبیه می‌کنند «و انتقاص البدور عند التمام»^۳ و معری بعد از این بیت می‌گوید:

توفى البدور النقص و هى أهلة و يدرکها النقصان و هى کوامل^۴

پس ترجمه صحیح بیت ۵۶۳ چنین است: اگر زندگی را دوست داری، میانه‌روی در پیش گیر؛ زیرا هر آنچه به نهایت کمال خود رسد، شروع به نقصان و کاهش می‌کند. معنای آن به عربی: «فاطلب الوسط من العیش لأن کل ما یکتمل یبدأ بالتناقص»^۵ ترجمه دکتر حریرچی: «ستمگر چون به نهایت ستم رسد دست کوتاه کند.» و در پانوش صفحه ۲۸۴

مثل المنية لاتبقي و لاتذر

جمعیت ضبراً جرمیزی بداهی

سوی الرفاء (ثمار القلوب، ص ۶۷۸) گفته است:

و أنت کالصل لاتبقي و لاتذر

لسانک السیف لا یخفی له أثر

۲. همان، همانجا.

۱. امثال و الحکم، ص ۱۴۲.

۴. المستطرف، ص ۱۳۲.

۳. همان، همانجا.

۵. نصوص من النثر و الشعر منذ صدر الاسلام حتى سقوط بغداد، ص ۲۷۴.

آورده‌اند: «ان المعتدی اذا بلغ نهایه العدوان و الجور فان الظلم عند ذلك ینتهی و یتتم.»
 صفحه ۲۹۵ بیت ۷۱۶ واژه «ساهر» به معنای شب‌زنده‌دار به جای «ساحر» و در پاورقی
 همان صفحه «یسهر» به جای «یسحر» درست است. در پانوشت صفحه ۳۲۴ ذیل مصراع
 شماره ۷۸۵، مصرعی چنین آمده است: «رقدت و لم ترث للساحر»؛ این در حالی است که
 در منابع ارجاع داده شده یعنی دلائل الاعجاز (ص ۳۷۶): للساحر، در الاعجاز و الایجاز
 (ص ۱۷۹) للساحد آمده است و مصحح کتاب الاعجاز و الایجاز آن را ساهر معنا کرده
 است و در کتاب ثمار القلوب این مصراع (۷۸۵) یافت نشد.

در ترجمه مصراع ۸۲۱ «لایشکر الله من لایشکر الناس»، سهو قلمی رخ داده است:
 «کسی که خدا را شکر نکند، از مردم هم شکر نمی‌کند!»

مصراع ۸۹۹: «و جادت بوصل حین لاینفع الوصل» ترجمه دکتر حریرچی: «از وصل
 خویش بهره‌مند کردم، آنگاه که وصال سودی نداشت!» ترجمه صحیح: هنگامی از وصل
 خویش مرا بهره‌مند کرد که دیگر سودی نداشت.

در ترجمه چند مورد دیگر نیز جای تأمل هست از جمله:

بیت ۲۱۶: «... و فی خطوب الدهر للناس آسی». ترجمه صحیح: و در حوادث روزگار
 برای مردم الگوهای است (که تأسی از آن باعث آرامش است). ترجمه دکتر حریرچی: «...
 و در حوادث روزگار مردم به یکدیگر تسلی می‌جویند و آرامش می‌یابند.»

سبحان فی غیر مال باقل حصر و باقل فی ثراء المال سبحان

بیت ۲۶۷

سبحان وائل معروف است، ولی سبحان باقل، که در ترجمه آورده‌اند، در منابع معتبر یافت
 نشد.

در بیت ۳۵۰ «قطیع الشاء» را ترجمه کرده‌اند: «گروهی از گوسفندان»؛ القطیع: گله
 (المنجد).

ترجمه‌های آشفته و غیرروان کم نیست، از جمله بیت‌های ۱۷۹، ۱۸۴، ۲۸۸، ۳۶۸،
 ۴۱۵، ۶۴۲، ۷۴۴، ۸۵۱ و ...

امثال، به سبب منظوم بودن، باید دارای وزن عروضی هم باشند و این مسئله در تصحیح
 کتاب باید در نظر گرفته می‌شد. در زیر، بعضی از ابیات و مصراع‌هایی را که نقص دارند
 می‌آوریم:

نسر بما یفنی و نفرح بالمئی

کما سر بللذات [...] حاکم

بیت ۲۵

بحر طویل^۱

والهجر أقتل [لی] مما أراقبه

أنا الغریق و ما خوفي من البلل

بیت ۱۰۲

بحر بسیط^۲

قد ینعم الله بالبلوی و ان عظمت

و یتلی [الله] بعض القوم بالنعیم

بیت ۲۲۵

بحر بسیط^۳

و ما الدهر الا طرف دونها قذی

فأغض قليلاً سوف یقبل [...]

بیت ۲۲۶

الف. به کتاب المستطرف ارجاع داده شده است که در آنجا نیافتیم؛ ب. احتمالاً واژه «مدبر» که در بیت ۲۲۷ زاید است، از آخر این بیت ساقط شده است.

کل أمر [إذا] تناهی تواهی

و انتقص البدور عند التمام^۴

بیت ۳۳۷

إذا ساء فعل المرء ساءت ظنونه

و صدق ما یعتاد [ه] من توهم^۵

بیت ۵۰۰

با افزودن ضمیر متصل «ه» معنا چنین می شود: «چون مرد بدکردار شد، بدگمان هم می شود و آنگاه آنچه راکه با پندار نادرست بدان خو کرده است، راست

۱. شاعر و مأخذ بیت معلوم نشد.

۳. دیوان ابی تمام، ص ۲۷۹.

۴. تصحیح بیت از این جانب است و سراینده و مأخذ آن یافت نشد.

۵. معجز احمد: ۲۷۹/۴.

۲. معجز احمد: ۲۶۹/۳.

می‌شمارد، اگرچه نادرست باشد.»^۱

و من جهلت قدره نفسه رأی غیره [منه] ما لایری^۲

بیت ۵۰۴

بیت ۶۱۵ «و فی الانام و [فی] الایام معتبره»: الف. شعر در بحر بسیط است و آمدن «فی» ضروری است؛ ب. بختری گوید:

أبأسعید و فی الایام معتبر و الدهر فی حالته الصفو و الکدر

دیوان، ج ۱، ص ۲۹۶

مصراع ۶۲۵ «و ای نعیم الدنیا لایزول». نقص آن سبب بی‌وزنی شده است.

در اینجا نکاتی هم درباره سرایندگان ابیات و ارجاع و استنادها می‌آید که به ذکر شماره بیت و مصراع بسنده می‌کنیم:

- شاعر بیت ۲۴ الامین است (المستطرف، ص ۵۱۵).

- در بیت ۴۹، مصحح متذکر نشده‌اند که شاعری با عنوان «ابن الزقاق مغربی تهامی» در ادبیات عرب نیست.

- بیت ۱۶۳ را دکتر عبدالمجید دیاب، مصحح شرح دیوان متنسبی (معجز احمد)، به عمر بن سنان نسبت داده است.

- ارجاع بیت ۱۹۴ ناقص است و مرجع اصلی آن دیوان ابوالعلاء معری است (شروح سقط الزند، القسم الاول، ص ۱۶۳).

- بیت ۲۱۲ را صاحب المستطرف (ص ۵۲۷) ابوبکر خوارزمی دانسته است.

- سراینده بیت ۲۲۸ اسحق الموصلی است (المستطرف، ص ۵۲۶).

- بیت ۳۲۶ در محاضرات الادبا (ج ۱، ص ۲۸) و الحماسه (ص ۱۳۲) به عبدالله بن معاویه نسبت داده شده است.

- شاعر بیت ۳۴۹ ابن معتز است. (معاهد التنصیص، ج ۱، ص ۳۰۸؛ یتیمه الدهر، ج ۲، ص ۳۸۲).

در کتاب معاهد التنصیص (ج ۳، ص ۲۵۹) بیت ۴۰۵ به این صورت آمده است:

۱. امثال السائره، ص ۲۳۱.

۲. مرزبان‌نامه، ص ۱۵۵.

قليل منك يكفيني و لكن قليلك لا يقال له قليل

و شاعر آن ابونصر الميكالي است.

- مصراع ۷۱۵ از ابن معتز و مصراع دوم آن این است: «و أهون السقمر الى العائد»
(المستطرف، ص ۴۴۸).

- مصراع ۷۸۰ از قصیده معروف ورقائیه ابن سینا و مصراع اول آن این است: «وغدت
تغرد فوق دوح شاهق» (مقالات اقبال آشتیانی، «شرح قصیده عینیه در احوال نفس به زبان
فارسی از قرن هفتم هجری» صص ۷۷۹-۸۹۲).

- بیت حریری (۸۰۵) چنین است:

أنا السروجی و هذا ولدی و الشیل فی المخبر مثل الاسد

مقامات حریری، ص ۶۹

و در صفحه ۴۱۰ مقامات این بیت از حریری آمده است:

حتى يقول الناس هـ هذا الشیل من ذاک الاسد

نیم بیت ۸۹۰: «لا ناقة لی فی هذا ولا جمل»: الف. در کتاب الغیث المسجم فی شرح لامیه
العجم (ج ۱ ص ۱۰۹) در شرح این بیت طغرابی

قیم الاقامة بالزوراء لاسکنی بها ولا ناقتی فیها ولا جمل

آمده است: ... لا ناقة لی فی هذا ولا جمل، فصار ذلک مثلاً یضرب فی التبری عن الشیء. قال
الراعی:

و ما هجرتک حتی قلت معلنة لا ناقة لی فی هذا ولا جمل

ب. روایتی که دکتر حریرچی در پانوشت صفحه ۳۶۹ آورده اند، موزون نیست.

خطاها و سهویات قلمی، چاپی و نگارشی و چندی دارد که در اینجا به برخی از آنها
اشاره می شود:

مپندار به جای می پندار (بیت ۱۵۵)، النفوس به جای النفس (بیت ۳۳۴)، «اما ذنابی» به
جای «اما ذنابی» (بیت ۳۵۱)، خوی هایش به جای خویش هایش (بیت ۲۵۱)، آبشخور به

جای آبشخوار (بیت ۷۹۱)، خشن به جای خشن (بیت ۳۹۲)، مطروفة به جای مطروفة (بیت ۳۸۶)، «و لایزُد» به جای «ولایزُد» (۶۳۸)، المعارُ به جای المعارِ (بیت ۸۹۱)، للحیب به جای للمحب (بیت ۷۸۵)، صحیح است و در بیت ۴۹۱ واژه «مِن» نباید بیاید.

در جاهایی که واژه‌ها نباید چسبیده به هم نوشته شوند، پیوسته نوشته شده‌اند و در جاهایی که باید پیوسته بیایند، جدا آمده‌اند. نمونه‌ها: «بدان» به جای «به دان» (بیت ۵۱)، «بشوند» به جای «به شوند» (بیت ۵۳۳)، «بدوشد» به جای «به دوشد» و «بریزد» به جای «به ریزد» (بیت ۵۴۷) و «به هر» به جای «بهر» (ص ۵۳۴) صحیح است.

از سهویات قلمی دیگر در ذیل بیت ۷۰۹ صورت گرفته که مصراع دوم آن چنین است:

و ینی الفتی عما علیه انطواؤه^۱

در پانوشت صفحه ۳۲۵، بعد از عبارت «المصراع الاول» این مصراع منظور مصحح بوده که ساقط شده است:

و ان یک سیار ابن مکرم انقضی^۲

در پانوشت صفحه ۳۳۹ ذیل بیت ۸۳۳ آمده است: «و قد شرحنا هذا البيت في الصفحات السابقة شرحاً كاملاً؛ در حالی که این بیت بجز این صفحه، در جایی از کتاب نیامده است. یکی از مشکلاتی که در بیشتر کتاب‌های چاپ شده به زبان عربی در ایران رایج است این است که ابیات مدور به دو قسمت مساوی نوشته نمی‌شود: در این کتاب نیز چنین ابیاتی (و حتی ابیات غیرمدور) درست تنظیم نشده است. در اینجا به ذکر شماره پاره‌ای از آنها اکتفا می‌کنیم: ۵۶، پانوشت صفحه ۵۸، ۱۸۱، ۱۸۷، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۲۱، ۲۲۳، ۲۲۶، ۲۹۱، ۳۰۴، ۳۰۷، ۳۲۲، ۳۵۴، ۳۸۶، ۵۱۲، ۵۵۱ و...»

در پایان ذکر این نکته ضروری است که همه این عیوب به راحتی در چاپ مجدد قابل رفع است و در نوشتن این مقاله هدفی جز این نبوده است و ذکر این نواقص به هیچ وجه از اهمیت کتاب و ارزش کار مصحح محترم نمی‌کاهد. مطالعه این کتاب به دانشجویان ادبیات فارسی و عربی توصیه می‌شود.

۱. شرح اخبار و ابیات و امثال عربی کلیله و دمنه، صص ۱۵۲ و ۳۷۰.
۲. معجز احمد: ۲/۲۳۶.

کتابنامه

قرآن کریم.

الحماسه، ابی عباده الولید بن عبید البحرى، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۳۷۸ق /

۱۹۶۷م.

المستطرف فی کل فن مستطرف، شهاب الدین احمد بن احمد الابشیهی، التحقیق صلاح الدین الهوارى، بیروت، دارالمکتبه الهلال، ۲۰۰۰م.

دیوان ابی تمام، حبیب ابن اوس ابوتمام، دراسه و التحقیق خلف رشید نعمان، بیروت، عالم الکتاب، ۱۴۰۷ق.

شرح اخبار و آیات و امثال عربی کلیده و دمنه، فضل الله بن عثمان بن محمد الاسفرازی، مقدمه و تصحیح و تعلیقات از بهروز ایمانی، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۸۰ش.

الآغانی، ابو الفرج الاصفهانی، شرح و تحقیق عبدالعلی مهنا، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ق.

المجانى الحدیثه فواد افرام البستانی، الجزء الاول، بیروت، دارالمشرق، ۱۹۹۳م. مجموعه مقالات عباس اقبال آشتیانی، عباس اقبال آشتیانی، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران، کتابفروشی خیام، ۱۳۵۰ش.

معجم الوسیط، ابراهیم انیس و دیگران، تهران، مکتب الشر الثقافة الاسلامیه، ۱۴۱۲ق. دیوان البحرى، البحرى، جلد الاول، بیروت، دار صادر.

المنجد عربی به فارسی، محمد بندرریگی، تهران، بازار بین الحرمین، ۱۳۷۴ش. الاعجاز و الایجاز، ابو منصور ثعالبی، بغداد: مکتبه اللبنا، و بیروت: دارصعب.

ثمار القلوب فی المضاف و المنسوب، التحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، مصر دارالنهضة، ۱۳۸۴ق

یتیمه الدهر فی محاسن اهل العصر، ابو منصور ثعالبی، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، ج ۱ - ۲، بیروت، دارالفکر، ۱۳۹۳ق / ۱۹۷۳م.

اسرار البلاغه، عبدالقاهر جرجانی، ترجمه جلیل تجلیل، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵ش.

دلائل الاعجاز، عبدالقاهر جرجانی، بیروت، دارالمعرفه، ۱۳۹۸ق / ۱۹۷۸م.

امثال و حکم، محمد بن ابی بکر عبدالقادر رازی، ترجمه و تصحیح و توضیح از فیروز

حریچی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.

گلستان، مصلح‌الدین عبدالله سعدی، تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۸ش.

الامثال السائرة من شعر أبي الطيب المتنبي، صاحب بن عباد، با مقدمه زهدی یکن، [بی تا]، [بی نا].

الغیث المسجم فی شرح لامية العجم، بیروت، دارالفکر العلمیه، ۱۳۵۹ق / ۱۹۷۵م.
مشاهیر شعر ایران الناطقین بالضاد، زین العابدین محبی، طهران، رخسار، ۱۳۸۲ش.
متنبی و سعدی، حسینعلی محفوظ، تهران، روزنه، ۱۳۷۷ش.

شرح معلقات دهگانه، کمال‌الدین مدرس، ارومیه، نشر حسینی، ۱۳۷۸.
رسائل ابی العلاء، ابی العلاء معری، طبع هوروس هارت، اوکسفرد، المطبعة المدرسیه.
شرح دیوان ابی الطیب المتنبی (معجز احمد)، ابوالعلاء معری، تحقیق عبدالمجید دیاب، قاهره، دارالمعارف.

نصوص من النثر والشعر منذ صدر اسلام حتى سقوط بغداد، نادر نظام تهرانی و سعید واعظ، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۸ق / ۲۰۰۰م.
مرزبان‌نامه، سعدالدین وراوینی، به کوشش خلیل خطیب‌رهر، تهران، صفی‌علیشاه، ۱۳۸۳ش.

شروح سقط الزند ابی علاء معری، ابی زکریا یحیی بن علی التبریزی و دیگران، تحقیق مصطفی السقا، باشراف طه حسین، القاهره، الیهة المصریة، ۱۴۰۸ق / ۱۹۷۸م.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی